

بُرنّا مُستطِر

قلب شگفت انگیز من...

Borna.montazer.ir



چه فرقی داره
شبیه
کی بشم؟

فوشبختی

من
چه ربطی
به شباهت
داره؟

■ چه فرقی داره شبیه کی بشم؟

خوشبختیه من چه ربطی به الگوهام داره؟



■ چه جوری باید شبیه خدایی بشم که ندیدمش! اصلاً چه فرقی میکنه شبیه کی بشم؟ متخصص آدمیت کیه؟ و از کجا میشه پیداش کرد؟

کی کامل و درست سر از کار آدم درمیاره؟
کی تمام چم و خم وجود ما رو می‌شناسه؟
کی می‌دونه ما برای رسیدن به هدف خلقتمون دقیقاً به چه چیزایی احتیاج داریم؟
و چه مسیری ما رو به این هدف می‌رسونه؟
وقتی همه ما مثل همیم، چه جوری می‌تونیم کسی رو با این مشخصات پیدا کنیم؟
و چه جوری می‌تونیم بهش اعتماد کنیم؟

اوه اوه اوه! چه خبره؟ چند تا سؤال؟!
ولی نگران نباش!

همه این سؤالات رو توی این شماره از مجله برنا جواب میدیم.



تا حالا شده بخواین شبیه یه کسی بشین؟ شده از خودتون بپرسین چه فرقی داره من شبیه کی بشم؟ اصلا دیدین کسی که دلش میخواد شبیه یه نفر دیگه باشه، اول از همه میره یه عکس بزرگ از اون رو میزنه جلوی چشمش! بعدش هم میره هرچی میتونه نگاهش می کنه تا مثل اون راه بره، حرف بزنه، نگاه کنه، رفتار کنه و...

حالا اینا چه ربطی به ما داره؟ شاید باورتون نشه اما خوشبختی و بدبختی ما دقیقا به همین قضیه شباهت ربط داره. ربطش هم اینه که چند وقت پیش گفتیم، یعنی هدف خلقت ما اینه که شبیه خدا بشیم! اما چه جوری؟ مگه نگفتیم خدا هم بی نهایت مطلقه، هم کمال مطلق؟ خب بی نهایت رو که نمی تونیم ببینیم واقعا چه جوری میشه شبیه یه خدایی شد که اصلا نمی بینیمش؟ اگه یه کم حوصله داشته باشیم، چه جوریش رو قراره الان همین جا بگیم!

میدونین خدا تا تجلی نکنه و خودش رو به ما نشون نده، ما اصلا نه میتونیم ببینیمش، نه میتونیم شبیهش بشیم، چه برسه به اینکه بخوایم باهاش رابطه داشته باشیم، اما خب خدا از اون جایکه خداست و همه این چیزا رو راجع به مابستر از خودمون میدونه، فکر همه چیز رو کرده؛ یعنی وقتی یه هدفی واسمون گذاشته، ما رو همین جوری به حال خودمون رها نکرده و قشنگ واسمون مشخص کرده چه جوری باید بهش برسیم! واسه همینم عالی‌ترین نمونه از خودش رو آفریده که اگه ما خواستیم شبیه خودش بشیم، هیچ مشکلی نداشته باشیم.

همون که بهش «اولین آفریده»، «خلیفه الله» یا «مثل اعلی» هم می‌گیم؛ پس اینکه شبیه کی بشم مهمه، اما راه رسیدن بهش هم کمتر از اون اهمیت نداره.

حالا چرا شبیه امام؟

درسته که هرچی تو این عالم هست، داره یه جوری خدا رو نشون میده، ولی خب قبول دارین هرچی به اندازه خودش این کار رو میکنه؟ چون خدا که به یه اندازه همه جا هست، ولی معلومه که ظرفیتی که یه سنگ داره، با ظرفیت یه گل یا یه آدم فرق میکنه! یعنی هرکدومشون به اندازه خودشون دارن اسم و صفت‌های خدا رو بروز میدن! حالا این وسط خلیفه خدا یا همون بهترین نمونه از خدا که ما به اسم «معصوم» یا «امام» هم می‌شناسیمش، ظرفیتش از همه بیشتره و از همه هم به خدا شبیه‌تره؛ یعنی درست مثل یه آینه داره تموم اسم‌ها و صفت‌های خدا رو تو قالب یه آدم نشون میده!

پس ما واسه اینکه شبیه خدا بشیم، یا بهتر بگیم، واسه اینکه بتونیم به اون هدفی که واسش خلق شدیم برسیم، حتما امام می‌خوایم. چون بدون امام اصلا نمی‌دونیم چه جوری و چه شکلی باید این راه رو بریم. مثل بچه‌ای که تو یه بیابون ولش کرده باشن و بگن برو خونه تون!

راستش رو بخواین محاله که ما بتونیم بدون امام شبیه خدا بشیم؛ اونم خدایی که این همه اسم و صفت داره! البته خدا از اونجا که یکی از اسماش ربّه و مربی ماست، به این سادگی‌ها از کنار تربیت ما نمیگذره؛ یعنی نه تنها واسمون الگو و راهنما گذاشته، حتی قبل از اینکه خودمون به دنیا بیایم، نقشه راه و برنامه مسیرمون رو هم مشخص کرده؛ یعنی همون چیزهایی که ما به اسم کتاب و دین می‌شناسیم شون.

■ دین و کتاب بی‌راهنما فایده‌نداره!

اما خب تا کسی نیاد بهمون بگه که کی هستیم و از کجا اومدیم و قراره کجا بریم یا اینکه اصلاً این کتاب و دین قراره ما رو به کجا برسونه که فایده‌نداره! مثل اینکه به ما یه نقشه بدن، اما اصلاً ندونیم نقشه چیه و چه جوری باید باهاش کار کنیم؛ یا اصلاً کسی نباشه که بهمون بگه این علامت‌ها و نشونه‌های توی نقشه کاربردشون چیه؟ یا مثلاً دقیق‌ترین برنامه تو دستمون باشه، اما اصلاً ندونیم واسه کی نوشته شده، چه جوری باید اجراش کنیم و عمل کردن و نکردن به اون واسمون چه فرقی داره؟

اینجاست که ویژه بودن کار امامی که شبیه‌ترین موجود این عالم به خداست، یه بار دیگه معلوم میشه؛ چون غیر از اینکه بهترین الگومون واسه شبیه شدن به خداست، بهترین و کاربردی‌ترین راهنمامون هم هست؛ چون هم بهمون می‌گه چه جوری باید این راه رو بریم، هم از نقشه راهمون یعنی قرآن رمزگشایی می‌کنه، هم برنامه راهمون یعنی دین رو جزء به جزء واسمون توضیح میده. چون تنها کسیه که هم میدونه باید شبیه کی بشم، هم هرچی که واسه شبیه شدن به خدا لازمه رو خوب میدونه. تازه هم خودش، هم هرچی میدونه دقیقاً مورد تایید سازنده مون یعنی خود خداست.

دوستم

نه اینکه فقط در مورد دین اینجوری باشه‌ها! یادتون نرفته که اصالت تخصص یه اصل عقلیه و همه‌جا صادق! یعنی هیچ جای دنیا بدون راهنما نمیشه از منابع استفاده کرد، باور نداری از امید پیرس!



QR کد را اسکن کنید.



پس چرا شبیه خدا نیستم؟

خب حالا که هم معلم هست، هم کتاب هست و هم برنامه، تازه هرکدومشون هم تو کار خودشون بهترین، عذر و بهونه ما چیه؟

چی میشه که ما شبیه خدا نیستیم و انقدر با خدا فرق داریم؟ نه مثل اون مهربون و رحمان و رحیمیم، نه می بخشیم، نه اهل روزی رسوندنیم و نه خیلی چیزای دیگه!

ما اگه نمی‌خوایم طرف شبیه شدن به خدا بریم! شباهت با امام واسمون معنی نداره! هیچ علاقه‌ای به قرآن نداریم! هیچ ربطی بین خودمون و دین نمی‌بینیم و ازش فراری هستیم! یا اصلاً کلاً راهمون رو گم کردیم و نمی‌دونیم واسه چی اینجا هستیم، یعنی یه جای کارمون ایراد داره. اینکه من ندونم قراره شبیه کی بشم، یه معنی بیشتر نمیده! اونم اینکه هنوز نفهمیدیم کی هستیم و به جای انسان داریم خودمون رو یه جور دیگه معنی می‌کنیم. یعنی اصلاً واسمون جا نیفتاده که با سنگ و گیاه و حیوون یه فرقی داریم و آدمیم. چون دین و کتاب و راهنما واسه گل و بلبل و سنگ و صخره که نیومدن، واسه ما اومدن! تا کممون کنن زودتر و بیشتر شبیه خدا بشیم.

■ شبیه خدا شدن رو اینجا توی ویدئوی کهکشان درون کامل برات توضیح دادیم
یعنی چی.



Qr کد را اسکن کنید.



■ واسه چی دنبال شباهت نعیریم؟

خب طبیعیه یکی که خودش رو به جای آدم، به گیاه یا نیازای گیاهی معنی میکنه و فکر میکنه تنها کاری که باید تو این دنیا انجام بده، زاد و ولد و غذا خوردن و هیکل داشتن و به تیپ و قیافه اهمیت دادنه، اصلاً هیچ نقطه مشترکی با یه انسان کامل نداره و نیازی نمی‌بینه که بخواد خودش رو به اون شبیه کنه. یا کسی که دغدغه‌هاش از چیزای حیوونی و مادی بالاتر نمیره، اصلاً به اینکه به عنوان یه آدم واسه چی خلق شده و فرقش با بقیه چیه، فکر نمیکنه!

واسه همینم می‌گه دین و قرآن و این جور چیزا مال قدیماست و سراغشون رفتن وقت تلف کردنه! حالا به وقت سوء تفاهم نشه، ما نگفتیم غذا خوردن و به خودمون رسیدن از بیخ و بن مشکل داره، ولی خب اندازه دارن و تا جایی میشه بهشون بها داد که ما رو از آدمیت در نیارن و به یه گیاه یا حیوون با شکل و شمایل آدمیزاد تبدیلمون نکنن!

چرا فقط من؟

ما به خاطر آدم بودنمون که راهنما می‌خوایم و کتاب و دین لازم داریم؛ اگر هم خودمون رو انقدر کوچیک معنی نکنیم و قیمت خودمون رو بدونیم، از اینکه خدا انقدر به فکر ماست، کلی هم خوشحال میشیم! درست مثل یه ورزشکاری که هدف داره و واسه رسیدن به طلای المپیک تلاش میکنه و از اینکه مربیش تفریح و مهمونی و تغذیه‌اش رو محدود و کنترل بکنه، ناراحت نمیشه. چون میدونه داره برای چه هدفی تلاش میکنه!

خدا هرچی واسه شبیه شدن به خودش رو لازم داریم، دقیقاً مطابق وجود خودمون درست کرده؛ به خاطر همینم هست که وجود ما با دین هماهنگه! منتها بخش انسانی و آدمیزادیمون!

حالا یه کم صبر داشته باش تا هفته بعد که میریم سراغ موضوع بعدی اول برسیم به مهم‌ترین کارمون که گوش دادن با تمرکز به پادکست چراغه.



QR کد را اسکن کنید.

Borna.montazer.ir

